

بررسی تاثیر سیاست‌های مالی و مالیاتی بر تجارت بخش کشاورزی در ایران

علی دهقان‌هراتی | Adehghan89@gmail.com

دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته اقتصاد کشاورزی،
دانشگاه باهنر کرمان

حسین مهرابی‌بشرآبادی | Hmehrabi2000@gmail.com

دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

علی‌رضا رهبردهقان | Alirezarahbar88@gmail.com

کارشناسی‌ارشد رشته اقتصاد کشاورزی، دانشگاه
سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

دریافت: ۱۳۹۱/۸/۶ | پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۳

چکیده: سیاست‌گذاری اقتصادی به مجموعه اقدام‌ها و دخالت‌های دولت در اقتصاد به منظور تحقق اهداف اقتصادی - اجتماعی معین برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب اطلاق می‌شود. سیاست مالی، از جمله مواردی است که نظام مالی دولت را از نظر درآمدها و هزینه‌ها تحت تاثیر قرار می‌دهد تا با استفاده از ابزار آن، دولت بر متغیرهای کلان اثرگذار باشد. با توجه به اینکه بخش کشاورزی در ایران، از جمله بخش‌های اقتصادی مهم کشور ایران است و اتخاذ سیاست‌های مالی می‌تواند بر تولید و به تبع آن صادرات و واردات این بخش موثر باشد. این پژوهش، به بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت طی دوره (۱۳۸۸-۱۳۵۰) بر تجارت بخش کشاورزی پرداخته است. برای این منظور با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی، رابطه بین مخارج دولت و شاخص مالیاتی و تجارت محصولات در بخش کشاورزی، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، ارزیابی شد. نتایج نشان داد که در کوتاه‌مدت، مخارج دولت و شاخص مالیاتی اثر مثبت بر ارزش صادرات و واردات بخش کشاورزی داشته‌اند، اما در بلندمدت، فقط مخارج دولت، اثر مثبتی بر ارزش صادرات و واردات بخش کشاورزی داشته است و شاخص مالیاتی اثر منفی را از خود نشان داده است و اثر آن در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود نظام مالیاتی، با استفاده از کاهش نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری اصلاح شود تا از این راه، زمینه لازم برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر در بخش کشاورزی و به تبع آن افزایش اشتغال در این بخش فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست مالی، شاخص مالیاتی، تجارت بخش کشاورزی، واردات بخش کشاورزی، مدل خودرگرسیون برداری (Var).

طبقه‌بندی JEL: E62، H2، Q17

مقدمه

دولت‌ها برای بهبود اوضاع اقتصادی، خط‌مشی‌ها و تدابیری به کار می‌برند که به سیاست‌های اقتصادی معروف است. سیاست‌گذاری اقتصادی، به مجموعه اقدامات و دخالت‌های دولت در اقتصاد به‌منظور تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی معین، با استفاده از ابزارهای تحت مهار خود در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها اطلاق می‌شود. هدف اساسی از سیاست‌گذاری‌های دولت، عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است. سیاست‌گذاری‌ها در ارتباط با یکدیگر و به‌طور هماهنگ اعمال می‌شوند.

سیاست‌های اقتصادی که ابزار اساسی اقتصاد کلان است، به چهار دسته کلی شامل سیاست مالی، سیاست پولی، سیاست درآمدی و سیاست اقتصاد خارجی تقسیم می‌شود (مجدزاده طباطبایی، ۱۳۷۶، ۷۷). سیاست مالی، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که نظام مالی دولت را از نظر درآمدها و هزینه‌ها، به‌منظور دستیابی به اهداف اقتصادی (مانند سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و...)، تحت تاثیر قرار می‌دهد. با استفاده از ابزار سیاست مالی، دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی مثل سطح تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، سطح قیمت‌ها و نرخ بیکاری اثر می‌گذارد و همچنین دولت از طریق مخارج خود و مالیات‌ها، می‌تواند حجم فعالیت‌های بخش دولتی و بخش خصوصی را در کل اقتصاد تعیین کند و تغییر این مخارج و مالیات‌ها، به عنوان یک ابزار مهم اقتصادی در دست دولت قرار دارد.

سیاست پولی که بیشتر از جانب کلاسیک‌ها حمایت می‌شد، از طریق تغییر در حجم پول، تغییر در رشد حجم پول و نرخ بهره و تغییر شرایط اعطای تسهیلات مالی صورت می‌گیرد. هدف اصلی این نوع سیاست‌ها، کنترل عرضه پول و تنظیم رابطه بین پول، تولید و تورم است. نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز، مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های پولی محسوب می‌شوند. سیاست‌های مدیریت تقاضا، ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی است که با هدف نگاه داشتن تولید در نزدیکی اشتغال کامل و تثبیت سطح قیمت‌ها توسط دولت اتخاذ می‌شود. سیاست درآمدی، در واقع، مجموعه‌ای از رهنمودهای ترغیبی و اختیاری درباره دستمزدها و قیمت‌ها، تشویق اتحادیه‌ها و اصناف و مؤسسات بزرگ تولیدی به منظور تعدیل دستمزدها و تغییر انتظارات کارگر و کارفرماست که در قالب سیاست‌های دستمزد و قیمت، برای مقابله با تورم و بیکاری به کار می‌رود و شامل روش‌های مختلفی است که دولت برای کنترل دستمزدها و قیمت‌ها به کار می‌برد، تا هم‌زمان، با کنترل سطح تقاضا، از افزایش نرخ بیکاری نیز جلوگیری کند.

سیاست‌های اقتصاد خارجی، مجموعه سیاست‌هایی است که دولت به منظور تعدیل و تنظیم

روابط اقتصادی کشور با دیگر کشورها اعمال می‌کند. تنظیم نرخ ارز، اعمال کنترل تجارت خارجی و تحدید واردات از طریق تعرفه‌ها و یارانه‌های پرداختی به کالاهای وارداتی و صادراتی، مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های خارجی هستند.

در بین سیاست‌های مختلف اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی، مهم‌ترین ابزار سیاست‌گذاران برای رسیدن به اهداف کلان اقتصادی از جمله توزیع عادلانه درآمد، افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال، ثبات قیمت‌هاست و قادرند بخش‌های مختلف اقتصادی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تاثیر قرار دهند (مجدزاده طباطبایی، ۱۳۷۶، ۷۷).

برخی بر این باورند که در شکل‌گیری تحولات بخش کشاورزی، تاثیر سیاست‌های کلی اقتصاد بیش از تاثیر سیاست‌های کلی اتخاذشده برای این بخش است. از این رو، با توجه به اهمیت بخش کشاورزی، سیاست‌های اقتصادی دولت در رابطه با این بخش نیز، اهمیت و حساسیت بالایی دارد (شاهولی، ۱۳۷۸، ۱۶۱). با توجه به اهمیت نقش سیاست‌های پولی و مالی، بررسی درجه تاثیرات این سیاست‌ها در مطالعات اقتصادی اهمیت دارد. یکی از جنبه‌های اثرگذاری سیاست‌های مالی، مربوط به اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت این سیاست‌ها بر تجارت خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. به این جنبه، پژوهش‌گران در کشورهای مختلف توجه کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

Giordano *et al.*, (707, 2007)، اثرات سیاست مالی در ایتالیا را با استفاده از مدل VAR^۱ بررسی کرده‌اند. مطالعه مورد نظر، تاثیر سیاست مالی را بر متغیرهای GDP^۲ خصوصی، نرخ تورم و نرخ بهره در بلندمدت در ایتالیا و با استفاده از داده‌های سه‌ماهه برای دوره (۲۰۰۴، ۱-۱۹۸۲) بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تغییر یک درصد در هزینه‌ها و خدمات دولت، به میزان ۰/۶ درصد GDP خصوصی را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج حاکی از آن است که سیاست مالی تاثیر مثبتی را بر اشتغال، مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری از خود نشان می‌دهد.

Ivrendi & Guloglu, (2010, 1144)، تاثیر شوک‌های پولی، نرخ‌های ارز و تراز تجاری را با در نظر گرفتن تورم در کشورهای استرالیا، کانادا، نیوزلند، سوئد و انگلیس مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که شوک پولی در بلندمدت اثر واقعی بر متغیرهای اقتصاد کلان ندارد. Kuismanen & Kamppi, (1315, 2010) در مطالعه‌ای، آثار سیاست مالی بر فعالیت‌های اقتصادی

1. Vector Autoregression
2. Gross Domestic Product

فنلاند را مطالعه کرده‌اند. برای این منظور، از فرآیند برداری تصادفی با متغیرهای مجازی (VSPD)^۱ به‌عنوان مدلی تجربی برای دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۹۰) استفاده شد. شوک مالیاتی مثبت، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و GDP می‌شود، اما این موضوع در مورد مصرف خصوصی متفاوت است. نتایج این مطالعه، حاکی از آن است که افزایش در هزینه‌های جمعیتی دولت، فعالیت‌های بخش خصوصی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از متغیر درآمد، سریع‌تر تاثیر می‌پذیرد.

(Miyazaki, 2010, 80) آثار سیاست مالی در طی سال ۱۹۹۰ در ژاپن را با استفاده از مدل VAR بررسی کرد. نتایج مربوط به اواخر سال ۱۹۹۰، حاکی از آن است که اثر منفی سیاست مالی نسبت به اثر مثبت بزرگتر و دارای تداوم بیشتری است و این نتیجه بیانگر آن است که توسعه مالی بیشتر در اواخر سال ۱۹۹۰، به‌منظور تحریک اقتصاد کلان، از نظر اندازه و تداوم اثرات سیاستی آنها نامناسب بوده است. همچنین نتایج مربوط به اجرای کاهش مالیات دائم در قبل از سال ۱۹۹۰، افزایش مداوم و قابل توجهی در هزینه‌های بادوام مصرف‌کننده داشته است.

(Cook & Devereux, 2011, 101) سیاست‌های مالی تعاونی را در محدوده پایین‌تر از صفر بررسی کردند و نشان دادند که پاسخ مطلوب هزینه‌های مالی برای کشورهای هم‌دست منفی است و همچنین، شوک تقاضای کل در کشور مبدا ممکن است منفی باشد. (Jooste *et al.*, (2013, 215) به تجزیه و تحلیل آثار شوک‌های سیاست مالی در اقتصاد جنوب آفریقا پرداخته‌اند. برای این منظور از مدل تصحیح خطای برداری (SVECM)^۲ و پارامترهای تغییر زمان VAR استفاده شد. پاسخ‌های شوک‌ها نشان داد که در ابتدا افزایش هزینه‌های دولت تاثیر مثبتی را از خود نشان می‌دهد که البته کمتر از حد معمول است، دوم اینکه در بلندمدت، تاثیر هزینه‌های دولت بر GDP معنی‌دار نیست و سوم اینکه، افزایش در مالیات، منجر به کاهش GDP در کوتاه‌مدت می‌شود. در ایران نیز برخی پژوهش‌گران تاثیر سیاست‌های پولی و مالی را بر متغیرهای کلان اقتصادی بررسی کرده‌اند. محرابیان (۱۳۸۰، ۸۳)، نشان داد که سیاست مالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر ارزش افزوده بخش کشاورزی اثر مثبت و بر سرمایه‌گذاری اثر منفی دارد و سیاست‌های پولی بر ارزش افزوده بخش اثر مثبت و بر سرمایه‌گذاری بی‌تاثیر است.

ابونوری و همکاران (۱۳۸۷، ۱۱۷)، اثر سیاست‌های مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران را با رهیافت روش خودرگرسیون برداری، مطالعه کرده‌اند. در این مطالعه، اثر درآمدهای مالیاتی و مخارج عمرانی و جاری به‌عنوان ابزار سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری کل، مصرف خصوصی و تورم در اقتصاد ایران، با استفاده از داده‌های فصلی (۱۳۸۵:۱-۱۳۷۳:۲) بررسی شد.

1. Vector Stochastic Process with Dummy
2. Structural Vector Error Correction Model

نتایج مطالعه حاکی از تاثیر مثبت مقدار مالیات، مخارج عمرانی و جاری و تاثیر منفی نرخ بهره حقیقی بر تولید ناخالص داخلی است. دادگر و همکاران (۱۳۸۷، ۱۲۹) با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری تاثیر سیاست‌های مالی و تکانه‌های قیمت بنزین بر توزیع درآمد و رفاه در ایران را برای دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۵۳) مطالعه کردند. نتایج این مطالعه حاکی از وضعیت نابرابری درآمد در اقتصاد ایران است و علت این امر سیاست انبساطی مالی دولت در میان‌مدت و بلندمدت عنوان شده است، ولی افزایش قیمت بنزین در میان‌مدت و بلندمدت عامل کاهش‌دهنده نابرابری قلمداد شده است.

موسوی و همکاران (۱۳۸۹، ۱۲۱) اثرات سیاست مالی بر ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت ایران را با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری، رابطه علی و استفاده از توابع واکنش ضربه‌ای (IRF)^۱ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که مخارج دولت بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در کوتاه‌مدت تاثیر مثبتی را نشان می‌دهد و این موضوع بیانگر رابطه علی مخارج دولت نسبت به ارزش افزوده است. همچنین در کوتاه‌مدت مخارج دولت، بر ارزش افزوده، صادرات و سرمایه‌گذاری بخش صنعت تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

دل‌انگیزان و خزیر (۳۷، ۱۳۹۱) اثرات شوک‌های سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران را برای دوره زمانی (۱۳۳۸-۱۳۳۸) مطالعه کرده‌اند. به منظور استخراج شوک‌های مثبت و منفی سیاست مالی، از مدل تصریح شده Sheng Chen در سال ۲۰۰۷ استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، شوک‌های مثبت و منفی سیاست مالی دولت، تنها در حوزه بودجه‌های عمرانی به صورت کامل دارای اثرات نامتقارن هستند و همچنین شوک‌های منفی (انقباضی) اثرات کاهنده و بزرگ‌تری را نسبت به شوک‌های مثبت (انبساطی) سیاست مالی بر رشد اقتصادی دارد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، مطالعات محدودی در خصوص تاثیر سیاست‌های مالی و مالیاتی بر تجارت محصولات در بخش کشاورزی انجام شده است. از این‌رو، در این پژوهش، اثر کوتاه‌مدت و بلندمدت سیاست‌های مالی و مالیاتی، از جمله مخارج دولت و مالیات، بر تجارت بخش کشاورزی ایران پرداخته‌ایم.

روش پژوهش

به منظور بررسی تاثیر سیاست‌های مالی بر تجارت محصولات در بخش کشاورزی، از مدل‌های اقتصادسنجی استفاده شده است. مرور مطالعات انجام شده در این زمینه نشان داد، در اکثر مطالعات

تجربی از مدل‌های VAR،^۱ VECM،^۲ و ARDL^۳ استفاده شده است. نوع مدل انتخابی برای دستیابی به هدف مورد نظر، بستگی به پایایی متغیرها و درجه هم‌انباشتگی آنها دارد، بنابراین، تعیین دقیق نوع مدل کاربردی مستلزم بررسی ایستایی متغیرهای وارد شده در مدل اقتصادسنجی است. متغیرهای در نظر گرفته شده در این مطالعه، عبارتند از: لگاریتم واردات محصولات کشاورزی (LIM)^۴، لگاریتم صادرات محصولات کشاورزی (LEX)^۵، لگاریتم نرخ تورم (LINF)^۶، لگاریتم مخارج دولت (LG)^۷، لگاریتم مالیات (LST)^۸، لگاریتم نرخ واقعی ارز (LER)^۹ و لگاریتم درآمد نفت (LO)^{۱۰}. متغیر مربوط به نرخ واقعی ارز با استفاده از رابطه (۱) محاسبه شده است (تاجیانی و کوپاهی، ۱۳۸۴: ۵۷۶).

$$\sum W_k = 1 \quad (1)$$

$$ER_t = \sum W_k ER_k (CPI_{us} / CPI_k),$$

در رابطه (۱)، W_k سهم واردات کشور k م از محصولات کشاورزی ایران، ER_k نرخ ارز اسمی کشور ایران، CPI_{us} شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا (۱۰۰=۱۳۸۳) و CPI_k شاخص قیمت مصرف‌کننده ایران (۱۰۰=۱۳۸۳) است. شاخص مربوط به سیاست مالیاتی که در این مطالعه استفاده شده، با استفاده از رابطه (۲) محاسبه شده است (دهمرد و همکاران، ۱۳۸۸).

$$STAX = \frac{RTAX + WTAX}{TAX} \cdot 100 \quad (2)$$

در رابطه فوق، RTAX^{۱۱} بیانگر مالیات بر درآمد، WTAX^{۱۱} مالیات بر ثروت و TAX کل درآمد مالیاتی هستند.

چنانچه در ابتدا نیز اشاره شد، اولین گام برای بررسی هم‌گرایی و رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل، تعیین مرتبه جمعی هر یک از متغیرهاست. برای این منظور از آزمون دیکی - فولر

1. Vector Error Correction Model
2. Autoregressive Distributed Lag
3. Log Import
4. Log export
5. Log Inflation
6. Log government
7. Log share Tax
8. Log Exchange rate
9. Log Oil
10. Revenue Tax
11. Wealth Tax

تعمیم‌یافته^۱ استفاده شده است. نتایج آزمون پایایی فوق برای متغیرها در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول ۱: نتایج مربوط به آماره دیکی - فولر برای آزمون ریشه واحد

متغیرها	آماره ADF در سطح	آماره ADF با تفاضل مرتبه اول
لگاریتم واردات	LIM	-۲/۵۲
لگاریتم صادرات	LEX	-۲/۲۶
لگاریتم نرخ تورم	LINF	-۲/۵۸
لگاریتم مخارج دولت	LG	۱/۱۱
لگاریتم مالیات	LST	-۲/۵۸
لگاریتم نرخ ارز واقعی	LER	-۱/۷۱
لگاریتم درآمد نفت	IO	-۰/۷۳

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱، ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۵، *** معنی‌داری در سطح ۰/۱۰
 (مقادیر بحرانی در سطح ۰/۰۱ (-۳/۶۱)، در سطح ۰/۰۵ (-۲/۹۴)، در سطح ۰/۱۰ (-۲/۶۰))

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، متغیرهای لگاریتم واردات، لگاریتم صادرات، لگاریتم نرخ تورم، لگاریتم مالیات، لگاریتم مخارج دولت، لگاریتم نرخ واقعی ارز و لگاریتم درآمد نفت در سطح ناپایا هستند، اما تفاضل مرتبه اول تمامی متغیرهای مورد نظر، پایاست، بنابراین همه متغیرهای مورد استفاده در مطالعه، هم‌جمع از مرتبه یک (I(1)) است. آنچنان که Engle & Granger (1987) اشاره کردند، هرگاه دو متغیر ناپایا از یک مرتبه انباشته باشند، اگر یک یا چندین ترکیب خطی آنها پایا باشد، آنها هم‌جمع می‌شوند و یک رابطه بلندمدت وجود دارد که مانع از جدایی این دو متغیر در زمان می‌شود، بنابراین در طی زمان یکدیگر را به‌خوبی دنبال می‌کنند. با توجه به فرآیند تجزیه و تحلیل بلندمدت با استفاده از تکنیک‌های هم‌جمعی، در مرحله بعد، از روش توسعه‌یافته Johansen (1991) و Johansen & Juselius (1990) برای رسیدن به آزمون هم‌جمعی بر اساس مدل خودتوضیح‌برداری (var)،^۲ استفاده می‌شود. روش Johansen (1991) که شامل دو آزمون نسبت درست‌نمایی^۳ (آزمون اثر^۴ و آزمون حداکثر مقدار ویژه^۵) است، برای آزمون تعداد روابط

1. Augmented Dickey-Fuller Test.
2. Vector Auto Regression
3. Likelihood Ratio Test
4. Trace Test
5. Maximum Eigenvalue Test

هم‌جمعی به کار می‌رود. آماره آزمون اثر به گونه‌ای تنظیم شده است که وقتی هیچ بردار هم‌جمعی در بین متغیرهای مدل نباشد، کمیت صفر را ارایه کند. پس هنگامی H_0 پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون اثر، از مقدار بحرانی ارایه شده توسط Johansen & Juselius (1990) کمتر باشد. بنابراین انجام این آزمون به این صورت است که برای $k=1, 2, \dots, k-1$ ، آماره آزمون اثر محاسبه شده و مقدار آن با کمیت بحرانی ارایه شده مقایسه می‌شود تا مادامی که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن بزرگتر است، فرضیه صفر، وجود r بردار هم‌جمعی در برابر فرضیه مقابل بیش از r بردار هم‌جمعی رد می‌شود. هنگامی فرضیه صفر وجود r بردار هم‌جمعی پذیرفته خواهد شد که مقدار آماره آزمون از آن کمتر باشد. آزمون حداکثر مقدار ویژه، وجود r بردار هم‌جمعی در برابر فرضیه مقابل وجود $r+1$ بردار هم‌جمعی را می‌آزماید. اگر کمیت محاسبه شده حداکثر مقدار ویژه از مقدار بحرانی آن بیشتر باشد، فرضیه صفر، وجود r بردار هم‌جمعی را در برابر فرضیه مقابل وجود $r+1$ بردار هم‌جمعی رد می‌کند. هنگامی وجود r بردار هم‌جمعی پذیرفته می‌شود که کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن کمتر باشد (نوفرستی، ۱۳۸۷).

Engle & Granger (1987) نشان دادند که اگر دو متغیر سری زمانی هم‌جمع باشند، حداقل یک رابطه مستقیم علی Granger وجود دارد. وجود رابطه بلندمدت پایدار (روابط هم‌جمعی) بین واردات و متغیرهای ذکر شده اشاره می‌کند که دو متغیر به صورت علی، حداقل در یک جهت ارتباط داده می‌شود. به عنوان گام نهائی، برای جواب دادن به جهت علیت بین متغیرها، از آزمون علی گرینجر استفاده می‌شود. زمانی که دو سری زمانی از مرتبه (۱،۱) هم‌جمع می‌شوند، مدل VAR می‌تواند در سطح داده‌ها، متغیرها را تخمین بزند، آزمون علیت بین متغیرها شامل یک تخمین دوطرفه است که در روابط (۳) و (۴) نشان داده شده‌اند.

$$LY_t = \mu_1 + \sum_{i=1}^l \alpha_{2i} LY_{t-i} + \sum_{i=1}^l \beta_{2i} LX_{t-i} + e_{2t} \quad (3)$$

$$LX_t = \mu_1 + \sum_{i=1}^l \alpha_{2i} LX_{t-i} + \sum_{i=1}^l \beta_{2i} LY_{t-i} + e_{1t} \quad (4)$$

در روابط بالا، μ ضرایب معین و e بیانگر جزء اخلال است که دارای توزیع نرمال است. در یک سیستم هم‌جمعی که متغیرها از یک درجه هم‌جمع هستند، فرضیه صفر این است که LX سبب علی LY نیست که به مفهوم برابر با صفر بودن ضرایب برآوردی از نظر آماری است. بیان ریاضی این فرضیه به صورت رابطه (۵) است.

$$H_{0x}: \beta_{11} = \beta_{12} = \dots = \beta_{1L} = 0 \quad (5)$$

همین‌طور، فرضیه صفر مبنی بر این‌که LY نمی‌تواند سبب علی LX شود را می‌توان آزمود. بیان ریاضی این فرضیه نیز به صورت رابطه (۶) است.

$$H_{0y} : \beta_{21} = \beta_{22} = \dots = \beta_{2l} = 0 \quad (۶)$$

فرضیه‌های مذکور با استفاده از آماره f آزمون می‌شوند. همچنین برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه از مقدار ضابطه Akaike Criterion و Schwarz Bayesian استفاده می‌شود (طیبی و همکاران، ۱۳۸۷). داده‌های مورد نیاز برای بررسی انجام شده در این پژوهش، از منابع مختلفی شامل بانک جهانی، پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز خواروبار کشاورزی^۱ برای دوره زمانی (۱۳۵۰-۱۳۸۸) جمع‌آوری شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای دستیابی به هدف مورد نظر ابتدا آزمون هم‌جمعی بین لگاریتم واردات بخش کشاورزی و لگاریتم عوامل موثر بر واردات با تاکید بر مخارج دولت و شاخص مالیاتی (نرخ تورم، نرخ واقعی ارز، مخارج دولت و مالیات) انجام شده است. نتایج آزمون مذکور در جداول (۲ و ۳) گزارش شده است. با توجه به مندرجات جدول (۲)، وجود $I=I$ بردار هم‌جمعی بین متغیرهای مذکور را می‌توان پذیرفت، زیرا مقدار کمیت آماره آزمون در این رابطه $19/13$ است که از مقادیر بحرانی $33/64$ در سطح ۹۵ درصد و $31/02$ در سطح ۹۰ درصد کوچک‌تر است.

جدول ۲: آزمون هم‌جمعی بین لگاریتم واردات و متغیرهای ذکر شده و آزمون حداکثر مقدار ویژه

فرضیه صفر	فرضیه جایگزین	مقدار آماره محاسباتی	ارزش بحرانی در سطح ۹۵ درصد	ارزش بحرانی در سطح ۹۰ درصد
تعداد بردار $0=(I)$	تعداد بردار $1=(I)$	۷۳/۰۸۹۰	۳۹/۸۳	۳۶/۸۴
تعداد بردار $1>(I)$	تعداد بردار $2=(I)$	۱۹/۱۳۸۵	۳۳/۶۴	۳۱/۰۲

جدول (۳)، نتایج مربوط به آماره اثر را گزارش کرده است. مندرجات جدول زیر نیز وجود $I=I$ بردار هم‌جمعی را نشان می‌دهد، زیرا کمیت آماره آزمون مربوط به آن $50/05$ است که از مقادیر بحرانی $70/49$ در سطح ۹۵ درصد و $66/23$ در سطح ۹۰ درصد کمتر است.

جدول ۳: آزمون هم‌جمعی بین لگاریتم واردات و متغیرهای ذکر شده و آماره اثر

فرضیه صفر	فرضیه جایگزین	مقدار آماره محاسباتی	ارزش بحرانی در سطح ۹۵ درصد	ارزش بحرانی در سطح ۹۰ درصد
تعداد بردار $(F)=0$	تعداد بردار $(F) \leq 1$	۱۲۳/۱۴۶۸	۹۵/۸۷	۹۱/۴
تعداد بردار $(F) \geq 1$	تعداد بردار $(F) \leq 2$	۵۰/۰۵۷۸	۷۰/۴۹	۶۶/۲۳

بر اساس ضابطه‌های (-19) Akaike Criterion و (-44) Schwarz Bayesian برای مدل واردات و به ترتیب (-21) Akaike Criterion و (-39) Schwarz Bayesian برای مدل صادرات، تعداد وقفه‌های بهینه برابر با یک تعیین شد. نتایج مربوط به رابطه کوتاه‌مدت بین سیاست‌های مالی و مالیاتی با ارزش واردات و صادرات بخش کشاورزی در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج مربوط به رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرهای مورد استفاده در مطالعه

متغیرها	Lim(-1)	LEX(-1)	LINF(-1)	LG(-1)	LST(-1)	LER(-1)	Lo(-1)
واردات	۰/۹۵	-	-۰/۰۵۶	۰/۰۴	۰/۳۲	-۰/۰۰۹۵	-۰/۰۲۷
صادرات	-	۰/۹۵	-۰/۱۲	۰/۰۲۹	۰/۱۷	۰/۰۳۴	-

همان‌طور که در جدول (۴) آمده است، در کوتاه‌مدت نرخ تورم و نرخ ارز، اثر منفی و مخارج دولت و مالیات، اثر مثبت بر واردات بخش کشاورزی داشته است. با توجه به اینکه، تنها ارتباط قوی بین بخش کشاورزی و بخش نفت، به طور غیرمستقیم اثر درآمدهای نفتی بر بخش کشاورزی است و این اثر بیشتر بر روی واردات بخش کشاورزی است، به همین منظور، اثر درآمد نفتی بر واردات هم بررسی شد.

جدول ۵: نتایج مربوط به رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرهای مورد استفاده در مطالعه برای دوره ۱۳۸۰-۱۳۵۰

متغیر	Lim (-1)	LINF (-1)	LG (-1)	LST (-1)	LER (-1)	Lo (-1)
واردات	۰/۹۳	-۰/۰۱۶	-۰/۳۹	۱/۰۷	۰/۰۰۵	۰/۱۵

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، درآمد نفتی در طی دوره (۱۳۸۸-۱۳۵۰) اثر منفی را بر ارزش واردات بخش کشاورزی داشته است، در صورتی که طی همان دوره اثر درآمد نفتی بر واردات، مثبت بود (جدول ۵)، مقایسه بین این دو نتیجه برای دو دوره ذکر شده، نشان می‌دهد که در دهه اخیر (۸۰)، در مقایسه با سه دهه گذشته (۵۰، ۶۰، ۷۰)، درآمد نفتی اثر منفی را بر واردات بخش کشاورزی داشته است، یعنی در کوتاه‌مدت، افزایش درآمد نفتی کاهش واردات را برای محصولات کشاورزی داشته است، اما در مورد ارزش صادرات، نتایج نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت، فقط نرخ تورم اثر منفی بر ارزش صادرات داشته است، ولی مخارج دولت، مالیات و نرخ واقعی ارز، اثر مثبتی بر ارزش صادرات داشته است که با نظریه اقتصاد کلان سازگار است. از آنجایی که در این مقاله، رابطه بلندمدت بین متغیرهای ذکر شده و ارزش واردات و صادرات در بخش کشاورزی، بررسی شده است، نتایج مربوط به برآورد خودتوضیح‌برداری Johansen برای ارزش واردات بخش کشاورزی در جدول (۶) گزارش شده است.

جدول ۶: نتایج مربوط به برآورد رابطه بلندمدت ارزش واردات کشاورزی

متغیر	LIM	LINF	LG	LST	LER	LO	ECM
ضریب	-۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۷۴	-۰/۲۱	۰/۰۲۰	-۰/۰۵۳	-۰/۳۴
ضریب نرمالیزه شده	-۱	۱/۳۰	۰/۶۰	-۱/۷۲	۰/۱۶	-۰/۴۳	-
ضریب نرمالیزه شده برای دوره ۱۳۸۰-۱۳۵۰	-۱	۰/۵۴	۰/۰۱	-۱/۱۹	-۰/۲۶	۰/۱۹	-

با توجه به آنچه جدول (۶) نشان می‌دهد، نرخ تورم، مخارج دولت و نرخ ارز، اثر مثبتی بر ارزش واردات کشاورزی و مالیات اثر منفی بر ارزش واردات کشاورزی دارد. از آنجا که تابع بلندمدت برآورد شده از روش Johansen، به صورت لگاریتمی بوده است، هر کدام از ضرایب، کشش را نشان می‌دهند. ضریب مربوط به نرخ تورم نشان می‌دهد که یک درصد تغییر در نرخ تورم، به میزان ۱/۳۰ درصد تغییر در واردات کشاورزی ایجاد می‌کند. تغییر یک درصدی در مخارج دولت و نرخ واقعی ارز، به ترتیب

۰/۶۰ و ۰/۱۶ درصد به واردات کشاورزی می‌افزاید. اما ضریب مربوط به مالیات نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد در مالیات، ۱/۷۲ از واردات کشاورزی می‌کاهد. همچنین، با توجه به اهمیت اثر درآمدهای نفتی بر واردات بخش کشاورزی، با توجه به نتایج به دست آمده، در بلندمدت هم مانند کوتاه‌مدت، در دوره (۱۳۵۰-۱۳۸۰) اثر آن مثبت بود، اما برای همان دوره، این اثر منفی است که می‌توان گفت در بلندمدت، درآمد نفتی، باعث کاهش واردات بخش کشاورزی می‌شود. نتیجه دیگری که می‌توان گرفت این است که، از آنجایی که بیماری هلندی در ایران، به صورت پدیده ضد کشاورزی ظاهر شد و درآمد نفت به صورت غیرمستقیم، بر بخش کشاورزی اثرگذار است، با توجه به نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت به دست آمده از این پژوهش، این موضوع برای دوره زمانی (۱۳۵۰-۱۳۸۰) صحت دارد، اما در همین دوره، درآمد نفت اثری منفی بر واردات بخش کشاورزی داشته است و این نشان می‌دهد که در دهه هشتاد، بخش کشاورزی رشد قابل توجهی داشته است. ضریب مربوط به ecm سرعت تعدیل تابع را نشان می‌دهد که حدود ۳۴ درصد انحرافات (نبود تعادل) برای ارزش واردات از مقادیر درازمدت خود، پس از گذشت یک دوره از بین می‌رود.

نتایج مربوط به آزمون هم‌جمعی بین لگاریتم ارزش صادرات و عوامل موثر بر آن (نرخ تورم، نرخ واقعی ارز، مخارج دولت و مالیات)، در جدول (۷) گزارش شده است.

جدول ۷: آزمون هم‌جمعی بین لگاریتم صادرات و متغیرهای ذکر شده و آزمون حداکثر مقدار ویژه

فرضیه صفر	فرضیه جایگزین	مقدار آماره محاسباتی	ارزش بحرانی در سطح ۹۵ درصد	ارزش بحرانی در سطح ۹۰ درصد
تعداد بردار $0 = (2)$	تعداد بردار $1 = (2)$	۶۶/۰۲	۳۳/۶۴	۳۱/۰۲
تعداد بردار $1 > (2)$	تعداد بردار $2 = (2)$	۱۹/۷۴۳۵	۲۷/۴۲	۲۴/۹۹

با توجه به مندرجات جدول (۷)، وجود $1 = 2$ بردار هم‌جمعی پذیرفته می‌شود، زیرا مقدار کمیت آماره آزمون در این رابطه ۱۹/۷۴ است که از مقادیر بحرانی ۲۷/۴۲ در سطح ۹۵ درصد و ۲۴/۹۹ در سطح ۹۰ درصد کوچک‌تر است. در جدول (۸) که در زیر آمده است، با توجه به آماره اثر، تعداد بردار هم‌جمعی معادل یک است.

جدول ۸: آزمون هم‌جمعیتی بین لگاریتم صادرات و متغیرهای ذکر شده و آماره اثر

فرضیه صفر	فرضیه جایگزین	مقدار آماره محاسباتی	ارزش بحرانی در سطح ۹۵ درصد	ارزش بحرانی در سطح ۹۰ درصد
تعداد بردار $(F) = 0$	تعداد بردار $(F) \leq 1$	۱۰۳/۸۳۷۸	۷۰/۴۹	۶۶/۲۳
تعداد بردار $(F) \geq 1$	تعداد بردار $(F) < 2$	۳۷/۸۱۷۷	۴۸/۸۸	۴۵/۷

نتایج مربوط به تابع بلندمدت (Johansen (1991) ارزش صادرات، در جدول (۹) گزارش شده است.

جدول ۹: نتایج مربوط به برآورد رابطه بلندمدت ارزش صادرات کشاورزی

متغیر	LEX	LINF	LG	LST	LER	ECM
ضریب	-۰/۰۷۵	۰/۱۴	۰/۰۰۸	-۰/۱۵	۰/۰۰۶۵	-۰/۸۳
ضریب تعدیل شده	-۱	۱/۹۷	۱/۰۶	-۲/۰۶	۰/۰۸۶	

با توجه به نتایج به دست آمده، رابطه بردار بلندمدت ارزش صادرات هم همانند بردار بلندمدت ارزش واردات، با نرخ تورم، مخارج دولت و نرخ واقعی ارز، رابطه مثبت و با مالیات رابطه منفی دارد. ضریب مربوط به ecm بر طبق انتظار منفی است و مقدار آن نشان‌دهنده سرعت تعدیل بالای ارزش صادرات در بلندمدت است. در مقایسه بین روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت، متغیرهای نرخ تورم و نرخ ارز با واردات، می‌توان به این نکته اشاره کرد که نرخ تورم در کوتاه‌مدت اثر منفی بر ارزش واردات می‌گذارد، اما در بلندمدت این اثر مثبت و نسبت به دوره کوتاه‌مدت موثرتر است و نرخ ارز در کوتاه‌مدت منفی و در بلندمدت مثبت است، اما اثر آن در کوتاه‌مدت بیشتر است. نتایج مربوط به تابع ارزش صادرات در کوتاه‌مدت و بلندمدت در مورد نرخ تورم و نرخ ارز، این موضوع را نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت، نرخ تورم، اثر منفی و نرخ واقعی ارز، اثر مثبتی بر ارزش صادرات دارد، اما در بلندمدت هر دو، اثر مثبت بر ارزش صادرات بخش کشاورزی دارند ولی میزان اثرگذاری آن در دوره بلندمدت، بیشتر و معنی‌دارتری است.

آنچه در این پژوهش قابل توجه و دارای اهمیت است، بحث در مورد سیاست‌های مالی و مالیاتی دولت و میزان اثرگذاری آن بر تجارت محصولات این بخش است. به همین منظور، لازم است در مورد

سیاست‌های انبساطی و انقباضی مالی توجه بیشتری کرد. با توجه به نتایج پژوهش، مخارج دولت و شاخص مالیاتی مورد استفاده در این پژوهش، در کوتاه‌مدت بر ارزش صادرات و واردات این بخش، اثر مثبتی را نشان داده است. در مقابل در بلندمدت، میزان اثرگذاری مخارج دولت بر ارزش صادرات و واردات این بخش مثبت و اثر شاخص مالیاتی منفی بوده است. با توجه به آنچه در مورد سیاست‌های انبساطی مالی ذکر شد، با افزایش مخارج دولت، میزان واردات و صادرات در بخش کشاورزی افزایش می‌یابد و همچنین، سیاست مالی انقباضی در این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش در مالیات، منجر به کاهش صادرات و واردات می‌شود. همچنین نتایج مربوط به رابطه علیت گرینجر بین صادرات و واردات با سیاست مالی و شاخص مالیاتی در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که بین سیاست مالی و صادرات رابطه یک‌طرفه وجود دارد که بیانگر این است که هزینه‌های دولت، بر صادرات اثرگذار است و عکس آن صادق نیست. این موضوع در مورد سیاست مالیاتی نشان می‌دهد که هیچ رابطه علی بین صادرات و شاخص مالیاتی وجود ندارد.

جدول ۱۰: نتایج مربوط به رابطه علیت گرینجر

احتمال	آماره F	تعداد مشاهده‌ها	فرضیه صفر	
۰/۰۵	۴/۰۸	۳۸	Lg علیت گرینجر lim نیست	واردات و سیاست مالی
۰/۴۴	۰/۵۸	۳۸	lim علیت گرینجر Lg نیست	
۰/۳۸	۰/۷۸	۳۸	Ist علیت گرینجر lim نیست	واردات و شاخص مالیاتی
۰/۵۳	۰/۳۹	۳۸	lim علیت گرینجر Ist نیست	
۰/۰۵	۳/۲۲	۳۷	Lg علیت گرینجر Lex نیست	صادرات و سیاست مالی
۰/۴۷	۰/۷۶	۳۷	Lex علیت گرینجر Lg نیست	
۰/۶۷	۰/۴	۳۷	Ist علیت گرینجر Lex نیست	صادرات و شاخص مالیاتی
۰/۳۶	۱/۰۴	۳۷	Lex علیت گرینجر Ist نیست	

این موضوع در مورد واردات هم صادق است، یعنی، رابطه یک‌طرفه بین سیاست مالی و وارداتی وجود دارد و هزینه‌های دولت، اثرگذار بر واردات است و هیچ رابطه علی بین واردات و شاخص مالیاتی وجود ندارد. نتایج این قسمت از مطالعه هم مؤید نتایج بلندمدت بین صادرات و واردات است، به طوری که سیاست مالی که بر صادرات و واردات اثرگذار است، تاثیر مثبتی بر این دو متغیر دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به دلیل اهمیت بخش کشاورزی در ایران و همچنین مباحث مربوط به تجارت خارجی در این بخش، تصمیم‌های سیاستی مربوط به مخارج دولت و مالیات در این بخش، باید بررسی شود. به همین منظور، در این پژوهش، تاثیر سیاست‌های مالی و مالیاتی بر تجارت بخش کشاورزی بررسی شده است. با توجه به نتایج مطالعه، اثر مخارج دولت و شاخص مالیاتی مورد استفاده، در کوتاه‌مدت بر صادرات و واردات بخش کشاورزی مثبت است، اما در بلندمدت اثر مخارج دولت بر واردات و صادرات مثبت و اثر شاخص مالیاتی منفی است، بنابراین، تصمیم‌های سیاستی، برای سیاست‌های مالی و مالیاتی در مورد تجارت بخش کشاورزی، باید زمینه لازم را برای افزایش تولید در این بخش و به تبع آن، افزایش صادرات و بهبود تراز پرداخت‌ها ایجاد کند. در بحث تحلیلی‌تر، بحث در مورد تجارت به تولید داخلی برمی‌گردد. یعنی در صورتی که فشار مالیاتی بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی از طریق تعدیل نرخ‌های مالیات بر درآمد صورت گیرد، منجر به تشویق تولیدکنندگان بخش کشاورزی و به تبع آن، افزایش صادرات در بخش کشاورزی می‌شود.

همچنین، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، منجر به پیشرفت و بهبود شرایط تولید این بخش و به تبع آن، اشتغال این بخش و تراز بازرگانی می‌شود. به همین منظور می‌توان گفت عاملی که می‌تواند از جنبه سیاست‌های مالیاتی، تاثیر مثبتی بر بخش کشاورزی و تولید در این بخش داشته باشد، اصلاح نظام مالیاتی به منظور سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش است تا با معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی بتواند کارآیی نهایی سرمایه و در نتیجه سودآوری سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش دهد و از این طریق، به تقویت انگیزه‌های سرمایه‌گذاری کمک کند. گفتنی است که همین مساله منجر به افزایش اشتغال در بخش کشاورزی می‌شود و زمینه لازم را برای اشتغال بیشتر در بخش کشاورزی فراهم می‌کند. همچنین، یکی از آثار غیرمستقیم سیاست‌های مالیاتی، تاثیر مثبت بر تراز پرداخت‌های کشور اجراکننده این مالیات است. بدیهی است این نتیجه‌گیری زمانی صحت خواهد داشت که سیاست مالیاتی اتخاذ شده، باعث تغییر در قیمت‌های نسبی کالاهای وارداتی به صادراتی شود، یعنی اگر پس از معرفی این مالیات، قیمت محصولات صادراتی ارزان و در مقابل، قیمت محصولات وارداتی گران شود یا حداقل بدون تغییر بماند، می‌توان به بهبود تراز پرداخت‌ها امیدوار بود. از جمله تاثیرهای دیگر نظام مالیاتی، سه هدف عمده اجتماعی، اقتصادی و بودجه‌ای است. در بعد اجتماعی، مهم‌ترین هدف از وضع مالیات، کاهش فاصله طبقاتی و توزیع درآمدهاست که این موضوع بیشتر در مورد بخش کشاورزی در ایران صحت دارد. درحالی‌که هدف اقتصادی وضع مالیات، تثبیت نوسانات اقتصادی،

تخصیص بهینه منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه‌ای است. علاوه بر این، هدف بودجه‌ای وضع مالیات تامین مالی بودجه دولت است. با توجه به مطالب ذکر شده و نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود که با اصلاح نظام مالیاتی در مورد سرمایه‌گذاری برای بخش کشاورزی، از طریق کاهش نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری، زمینه لازم را برای سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش و به تبع آن، تولید بیشتر فراهم شود تا منجر به افزایش اشتغال و همچنین بهبود تراز بازرگانی شود.

توصیه‌های سیاستی

به منظور تشویق تولیدکنندگان بخش کشاورزی و زمینه لازم برای افزایش تولید در این بخش، لازم است فشار مالیاتی بر بخش تولید و سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی از طریق تعدیل نرخ‌های مالیات بر درآمد صورت گیرد. این موضوع زمینه را برای افزایش صادرات و به تبع آن افزایش اشتغال در بر دارد.

۱. سیاست‌های مالیاتی باید به گونه‌ای اتخاذ شود که باعث تغییر در قیمت‌های نسبی کالاهای وارداتی به صادراتی شود، یعنی اگر پس از معرفی این مالیات، قیمت محصولات صادراتی ارزان و در مقابل، قیمت محصولات وارداتی گران شود یا حداقل بدون تغییر بماند، می‌توان به بهبود تراز پرداخت‌ها امیدوار بود.

۲. اصلاح نظام مالیاتی در مورد سرمایه‌گذاری برای بخش کشاورزی، از طریق کاهش نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری، زمینه لازم را برای سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش و به تبع آن، تولید بیشتر فراهم شود تا منجر به افزایش اشتغال و همچنین بهبود تراز بازرگانی شود.

منابع

الف) فارسی

- ابونوری، اسماعیل؛ کریمی‌پتانلار، سعید و مردانی، محمدرضا (۱۳۸۷). اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خودرگرسیون برداری. *مجله پژوهش‌نامه اقتصادی*، سال دهم، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۴۳.
- تاجیانی، هما، و کوپاهی، مجید (۱۳۸۴). تخمین توابع عرضه و تقاضای صادرات زعفران ایران. *مجله علوم*

- کشاورزی ایران، سال سوم، شماره ۳۶، صص ۵۸۰-۵۷۳.
- دادگر، یدالله؛ نظری، روح‌الله، و مهربانی، فاطمه (۱۳۸۷). تأثیر سیاست‌های مالی و تکانه‌های قیمت بنزین بر توزیع درآمد و رفاه در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۵۰-۱۲۹.
- دل‌انگیزان، سهراب و خزیر، اسماعیل (۱۳۹۱). مطالعه اثرات شوک‌های سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۳۸. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، سال اول، شماره ۳، صص ۶۷-۳۷.
- دهم‌ده، نظر؛ صفدری، مهدی، و شهیکی تاض، مهیم (۱۳۸۸). تأثیر شاخص‌های کلان بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، جلد ۲۵، شماره ۵۴، صص ۵۵-۲۵.
- شاه‌ولی، ارکیده (۱۳۷۸). *بررسی اثرات برخی از سیاست‌های پولی و مالی بر ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و صادرات بخش کشاورزی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، صفحه ۱۶۱.
- طیعی، کمیل؛ جباری، امیر، و بابکی، روح‌الله (۱۳۸۷). بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی، مطالعه موردی ایران، کشورهای OECD به علاوه کشورهای منتخب. *مجله دانش و توسعه*، سال پانزدهم، شماره ۲۴، صص ۸۴-۶۳.
- مجدزاده طباطبایی، شراره (۱۳۷۶). *بررسی اثرات سیاست‌های تثبیت اقتصادی بر متغیرهای حقیقی کلان اقتصادی: مطالعه موردی اقتصاد ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شیراز.
- محرابیان، کیومرث (۱۳۸۰). *بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر رشد بخش کشاورزی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، صفحه ۸۳.
- موسوی، سید نعمت‌الله؛ محمدی، حمید، و اکبری، سید محمد رضا (۱۳۸۹). بررسی اثرات سیاست مالی بر ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت در ایران. *مجله پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۲۱.
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۷). *ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی* (چاپ دوم). تهران: خدمات فرهنگی رسا.

ب) انگلیسی

- Cook, D., & Devereux, M. B. (2011). Cooperative fiscal policy at the zero lower bound. *Journal of Japanese International Economies*, 25(23), pp.101-223.
- Engle, R. F., & Granger, C. W. J. (1987). Cointegration and error correction representation, estimation and testing. *Econometrica*, 55(2), pp. 987-1007.
- Giordano, R., Momigliano, S., Neri, S., & Perotti, R. (2007). The effects of fiscal policy in Italy: Evidence from a VAR model. *European Journal of Political Economy*, 23(3), pp. 707-733.
- Ivrendi, M., & Guloglu, B. (2010). Monetary shocks, exchange rates and trade balances:

- Evidence from inflation targeting countries. *Journal of Economic Modeling*, 27(5), pp. 1144–1155.
- Johansen, S. (1991). Estimation and hypothesis testing of cointegration vectors in Gaussian vector autoregressive models. *Econometrica*, 59(6), pp. 1551–1580.
- Johansen, S., & Juselius, K. (1990). Maximum likelihood estimation and inference on cointegration with application to the demand for money. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 52(2), pp. 169–209.
- Jooste, C., Liu, G., & Naraidoo, R. (2013). Analysing the effects of fiscal policy shocks in South African economy. *Economic Modeling Journal*, 32(c), 215-224.
- Kuismanen, M., & Kamppi, V. (2010). The effects of fiscal policy on economic activity in Finland. *Economic Modeling Journal*, 27(5), pp.1315-1323.
- Miyazaki, T. (2010). The effects of fiscal policy in the 1990s in Japan: A VAR analysis with event studies. *Japan and the World Economy*, 22(2), pp. 80-87.